

## تبیین فلسفی ساختار حکومتی بر پایه مؤلفه‌های جغرافیای سیاسی (۱)

برگرفته از:

سخنرانی دکتر محمدرضا حافظ‌نیا- استاد جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

( تهران - ۱۳۹۰/۱۱/۱۷ )

- **State** یا کشور به عنوان موضوع جغرافیای سیاسی در هر مقیاسی، سه مؤلفه‌ی اساسی به شرح زیر دارد:
- **سرزمین**، یا قلمرو جغرافیایی زیستگاه ملت، ونیز قلمرو فرمانروایی حکومت که ممکن است الحاق و انتزاع در آن صورت بگیرد. اما پایدار و ابدی است، هر چند ممکن است همراه با انسان‌های ساکن و وابسته آن دارای انقباض و انبساط فضایی باشد.
- **ملت**، یا انسان‌ها، که زیستگاهشان قلمرو جغرافیایی کشور است «Homeland-Motherland» و حق تابعیت و حقوق شهروندی دارند و با حفظ رابطه نسلی بین پیشینیان و آیندگان، موجودی ابدی و پایدار می باشد. ملت خط تاریخی دارد یعنی گذشته، حال و آینده آن بهم مرتبط می باشد.
- **حکومت**، یا ساختار سیاسی که رو بناست و زیربنای آن سرزمین و ملت است. حکومت از لحاظ انتزاعی پایدار و ابدی است ولی بلحاظ واقعی ابدی نیست و متغیر و نا ثابت است؛ چون حکومت‌ها و رژیم‌ها تغییر می کنند و هیچ حکومت و رژیم خاصی، ابدی نبوده است. شاخص رژیم‌ها، قانون اساسی آنها است. حکومت یعنی کل ساختار سیاسی، اما دولت یعنی قوه مجریه.
- تمام تعهدات یک کشور نسبت به کشورهای دیگر به دو عنصر ملت و سرزمین که پایدار هستند، متکی می باشد. سرزمین و ملت هر کشور، تکیه گاه‌های اصلی حقوق و روابط بین‌المللی آن هستند.
- کشور سیاسی معادل **State** و کشور سرزمینی معادل **Country** می باشد. واژه **State** معادل چند معنی بکار می رود (کشور، ایالت، حکومت، دولت، حالت و...)
- فلسفه حکومت در کشورها، ضرورت حفظ کشور، مدیریت امور قلمرو جغرافیایی، مدیریت امور ملت وابسته به آن و نیز تعامل با سایر کشورها است.
- از نظر جغرافیای سیاسی، حکومت محصول فرآیند سازمان‌یابی سیاسی ملت در زیستگاه یا فضای جغرافیایی خودش می باشد. در این رابطه هر ملتی حق و اختیارات مربوط به منابع و امور سرزمینی و سرنوشت خودش را به این حکومتی که تأسیس می نماید، تفویض می کند تا به نیابت از آن امور عمومی اش را اداره کند.

- بنابراین سرزمین و ملت از این جهت دارای موقعیت زیربنایی بوده و حکومت موجودی رو بناست. چون بنا به ضرورت مدیریت امور عمومی سرزمین و ملت و خواست آن تأسیس و تشکیل شده است.
- بر پایه فلسفه جغرافیایی حکومتها، اولین وظیفه‌ای که حکومت پیدا می‌کند حفظ کشور ( سرزمین و ملت ) در برابر تهدیدات است، دومین وظیفه مدیریت امور فضای سرزمینی و مردم یا ملت است، سومین وظیفه‌اش تأمین نیازهای ملت یا مردم آن است ( مادی و معنوی )، و چهارمین وظیفه اش برقراری تعامل مناسب، سازنده و صلح آمیز با سایر کشورها و ملتها است .
  - بر اساس مبانی فلسفی و جغرافیایی که وجود حکومت را توجیه می‌کند، حکومت باید به خودش سامان بدهد. لذا به تأسیس یک ساختار سازمانی و اداری که بتواند مأموریتها و وظایف ذاتی را ایفا کند میپردازد.
  - بنا بر بررسی‌های انجام شده در ایران، بین ساختار سازمانی حکومت و ایفای نقش ذاتی آن تناسب لازم وجود ندارد، و این مشکل مقداری هم جهانی است به این علت که در ساختارسازی حکومتها، کشورها از یکدیگر الگوبرداری می‌کنند. بدون آنکه در ابتدا یک تبیین فلسفی/جغرافیایی برای تدوین قانون اساسی و ساختار سازی حکومت در سرزمین و ملت خود انجام دهند.
  - ساختارسازی حکومت در ایران تبیین فلسفی نشده است به همین علت، صرف نظر از اندام‌های اصلی که سه قوه هستند، کفایت و تناسب مطلوب را ندارند. لایه بعد از آن نظیر وزارتخانه‌ها بعضاً حتی در عنوان‌گذاری و تعیین نام نیز، مبنای اندیشیده شده فلسفی ندارد.
  - سیستم حکومتی ایران بسیط است یعنی سراسر سرزمین را یکدست و خصایص ملت را یکسان می‌بیند و مقررات یکسان برایش مقرر می‌کند، بعلاوه این سیستم بسیط متمرکز نیز است. (بسیط یعنی تک‌ساخت و یکسان‌انگار) که منجر می‌شود به تأسیس یک نهاد ملی (قانونگذاری ملی است، خزانه ملی است، نرم‌افزار اداره امور ملی است، قانون محاسبات عمومی ملی است). مهمتر از آن سیستمی بشدت متمرکز است که نقش منفی در مدیریت بهینه امور کشور و نیز فرایند توسعه ملی بازی می‌کند.
  - سیستم‌های فرانسه، ژاپن و ایتالیا نیز بسیط اند اما غیرمتمرکز.
  - سنت سیاسی در ایران بساطت و تمرکز اداری نبوده است، بلکه غیربسیط بوده است و از زمان مشروطه به سیستم بسیط تبدیل شده است که سیستمی وارداتی است و با اکولوژی ایران نمی‌خواند. این الگوسازی‌ها تابعی است از مدل‌های مرکز پیرامون (یعنی متأثر از متروپل). متروپل ایران، فرانسه و بلژیک بوده است و متروپل شبه قاره هند، انگلیس بوده است.
  - در انقلاب مشروطه، ایران تحت تأثیر آن قرارگرفت و مدل بسیط متمرکز بر آن سایه انداخت و تابوهای ژئوپلیتیکی هم آن را تقویت کرد. از آن زمان تاکنون مدل مزبور در ایران ادامه دارد.

- قانون اساسی هر کشوری انعکاس خصیصه‌های ملت و سرزمین آن است و حکومت در اصل حافظ آن خصیصه‌ها می‌باشد. بین خصیصه‌ها و رفتار حکومت با ایده‌آلها و آرمان‌های ملت باید سازگاری وجود داشته باشد و آلا شکاف و چالش و مبارزه بین آن دو پیش می‌آید و همیشه آنکه دیر یا زود از پا در می‌آید حکومت‌ها هستند.
- اکنون سوال این است که: این حکومت که می‌خواهد به خودش سامان بدهد تا مأموریت‌هایش را بخوبی انجام دهد، چه نوع ساختار و سازمانی برایش مناسب است؟
- در فرآیند ساماندهی حکومت‌ها به خود سه ضرورت مطرح است:
  ۱. ضرورت‌های مدیریتی فضای سرزمینی و ملت و تعامل با دیگران
  ۲. ضرورت‌های تأمین نیازهای ملت
  ۳. ضرورت‌های سازمان‌یابی درونی خودش (تأمین نیاز خودش تا آن دو دیگر را اداره کند).
- در ورای هر کدام از اینها یک مقوله و ضرورت اساسی مشترک بین سرزمین و ملت پیش می‌آید که از دید جغرافیای سیاسی به آن «حفظ کشور» می‌گوییم.
- در بحث حفظ کشور چند موضوع مطرح است:
  ۱. تقویت علل وجودی و بقای کشور (علل موجد و موبقه کشور) که خودشان دو نیروی حفظ کننده کشور هستند. این دو باید شناسایی و مورد توجه اساسی ملت و حکومت باشند. محور اصلی آن هویت ملی است که ماهیت این مقوله عمدتاً فرهنگی است و وزارت فرهنگ حکومت باید عهده‌دار این موضوع باشد.
  ۲. نیروی سیاست در دو بُعد داخلی و خارجی (که کارش اتخاذ تدابیر مناسب برای توسعه اتحاد ملی و روابط صلح آمیز با سایر کشورها و نیز تقویت علل موجد و موبقه است).
  ۳. نیروی امنیت در دو بُعد داخلی و امنیت خارجی یا ملی
- حفظ موجودیت کشور دغدغه اصلی هر حکومت است چون بدون آن وجود حکومت معنا ندارد، و انجام آن نیز از وظایف اصلی رئیس کشور و حکومت است (شخص اول کشور).

از منظر فلسفی و نظری، برای ضرورت‌های سه گانه مزبور، حکومت باید برای خودش ساختار و سازمان مناسب بر پایه عناصر اصلی کشور به شرح زیر تعریف کند.

### ۱- بخش فضای سرزمینی:

- ضرورت‌هایی که برای مدیریت آن وجود دارد عبارتند از:

الف ( فضای ملی یا عرصه جغرافیایی کشور

• در این عرصه این موضوعات باید مورد توجه قرار گیرد (۴ بُعدِ فضا):

۱. مالکیت فضا (حق تملک)

۲. مدیریت سیستم‌های اکولوژیک (اکولوژی یعنی بوم‌شناسی «زیست بوم» و روابط داده و ستاده

بین عناصر موجود در یک سیستم فضایی، و حفظ تعادل‌های آن)

۳. مدیریت کاربری فضا: (آمایش سرزمین؛ تخصیص فضا به فعالیت)

۴. بحران‌های سرزمینی (حوادث غیرمترقبه محیطی طبیعی یا انسانی)

• برای اجرای این مأموریت‌ها حکومت می‌تواند وزارت امور فضای جغرافیایی داشته باشد.

• ثبت اسناد و املاک، سیاست‌های آمایش سرزمین و بازنگری مستمر آن، محیط زیست، و مدیریت بحران‌های سرزمینی (طبیعی و انسانی) در این قسمت قرار دارد.

### ب ( منابع سرزمینی:

باید شناخته و مدیریت شوند.

- شامل منابع کانی و منابع انرژی

- بنیادهای زیستی شامل: آب‌ها، خاک‌ها، هوا، حیات (گیاهی و جانوری) در قلمرو کشور

### ج ( سیستم‌های سرزمینی:

شامل:

سکونت‌گاه‌ها: (شهری، روستایی و عشایری)

- مسکن یکی از جلوه‌های سکونت‌گاه‌هاست.
- یک وزارت باید مسئول امور سکونتگاه‌ها باشد (شامل: برنامه‌ریزی و شهرسازی، مدیریت شهری و شهرداری‌ها، مدیریت روستایی و طرح‌های هادی روستایی‌ها، برنامه‌ریزی و مدیریت امور عشایر...)
- **شبکه‌ها:** مانند شبکه راه و ترابری، شبکه‌های انرژی (برق و گاز)، شبکه ارتباطات، شبکه آب
- **ساخت‌ها:** مانند ساخت‌های کشاورزی (کشاورزی یک ساخت فضایی است که در سرزمین وجود دارد)، ساخت‌های صنعتی، ساخت‌های دفاعی و امنیتی (پادگان‌ها و...)

## ✓ ۲- بخش ملت:

- در اینجا نیازهای ملت و تأمین آنها مطرح است.
- نیازهای فضایی، (مسکن، فعالیت و...)
- نیازهای سیاسی، ( مشارکت سیاسی و تعیین سرنوشت، گزینش مدیران سیاسی در مقیاس‌های ملی و محلی، تابعیت، هویت (اسناد هویتی)، حقوق شهروندی و غیره )
- نیاز به امنیت، (امنیت اجتماعی و عمومی، نظم و انضباط اجتماعی، امنیت جان و مال و ناموس شهروندان)
- نیاز به ارتباط بین‌المللی، (روابط بین‌المللی و سیاست خارجی به اقتضای تعاملات اجتماعی، اقتصادی، تجاری و علمی و...)
- نیازهای اقتصادی، ( کسب و کار، شغل، درآمد، پول و بانک، مبادله و بازرگانی )
- نیازهای فرهنگی، ( میراث فرهنگی و حفظ تاریخ ملت، شاخصه‌های فرهنگی (آیین‌ها و مذهب)، هویت ملی و فرهنگی، که گاهی علت وجودی کشورهاست)
- نیاز به سلامت، (بهداشت و درمان، ورزش و تربیت بدنی، سلامت روانی)
- نیاز به تفریح و اوقات فراغت، ( فلسفه وجودی پارک، سینما، موسیقی ... برای بهبود روح خسته انسان شهری، توریسم و گردشگری )
- نیازهای معنوی و مذهبی، (عقاید و باورها، مناسک و آیین‌های مذهبی، مدارس دینی، زیارتگاه‌ها، خیریه‌ها)
- نیازهای اجتماعی، ( رفاه و تأمین اجتماعی، عزت و کرامت، احساس سربلندی و افتخار، آزادی‌ها، ارتباطات اجتماعی، عدالت و برابری، محبت، شخصیت و حرمت اجتماعی)
- نیاز جنسی و وراثتی، ( آمیزش، زاد و ولد و خانواده)
- نیازهای غذایی، (خوراک و آشامیدنی‌ها)

- نیاز به انرژی، ( حیات، حرکت، فعالیت و کار )
- نیازهای زندگی، ( ابزار زیست، ابزار حرکت (ماشین)، پوشاک، ابزار کار، وسایل خانه، ابزار ارتباط و...)
- نیازهای آموزشی، (ارتقاء علمی، فکری، تربیتی و مهارتی، اجتماعی سازی )
- نیازهای علمی و تکنولوژیک، ( توسعه علمی و تکنولوژیک که رکن اساسی توسعه و قدرت ملی را تشکیل می‌دهد)
- نیاز به دادرسی، (مراکز قضایی و دادگاهها)

### ۳- ساماندهی درونی حکومت:

- در اینجا سازماندهی سیستم عامل حکومت مد نظر است که شامل ابعاد زیر است:
- نرم‌افزارهای حکومتی: فرایند تدوین قوانین و مقررات (مجالس قانونگزاری و نهادهای شورایی، ...)
  - مدیریت امور ساختار سازمانی و نیروی انسانی حکومت: (مانند امور تشکیلاتی و استخدامی و...)
  - مدیریت توسعه ملی: چشم‌اندازها، استراتژی ملی و برنامه‌ها (این نهاد در حکم مغز حکومت است.) شامل:
    - آمار و اطلاعات ملی
    - تدوین چشم‌انداز و استراتژی ملی
    - تدوین برنامه‌های توسعه
  - مدیریت مالی حکومت: اخذ مالیات‌ها، بودجه، درآمد و هزینه حکومت
  - نظارت حکومتی: نظارت مالی، نظارت قانونی، نظارت کارکردی؛ نظارت مراقبتی (حسن سلوک کارکنان دولت و...). این نهاد نظارت حکومتی می‌تواند زیرنظر پارلمان بعنوان نماینده ملت باشد.